

بررسی حضور سیاسی و تجاری پاکستان در خلیج فارس از ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۹ میلادی

مرتضی نورائی^۱

فاطمه کیانی گلشوری^۲

چکیده

کشور پاکستان یکی از کشورهای نیمه بسته به لحاظ ژئوپلیتیکی است که تنها از طریق دریای عمان به دریای آزاد راه دارد. موقعیت پاکستان از جنوب محدود به دریای عمان بوده و از تنگه استراتژیک هرمز نیز چندان دور نیست. پایگاه‌های هوایی و دریایی این کشور در سواحل دریای عمان، نقش مهمی در ثبات منطقه داشته‌اند، از این رو موقعیت ژئوپلیتیک پاکستان در اقیانوس هند از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است به طوری که در دوران جنگ سرد به عنوان سپری عمل کرده که از منافع آمریکا و متحدانش در مقابل پیشروی اتحاد شوروی به طرف آب‌های گرم خلیج فارس محافظت کرده است. اشتراک مذهبی، جمعیت فراوان، و پیشرفت‌های نظامی پاکستان از یک سو، و نیاز روزافزون پاکستان به منابع انرژی حوزه خلیج فارس و رقابت با رقبای قدری چون هند و چین، از سوی دیگر باعث شده تا هم کشورهای حاشیه خلیج فارس و هم پاکستان نیاز به توسعه و تقویت روابط با یکدیگر داشته باشند. با توجه به اینکه به این موضوع بخصوص در سال‌های مورد نظر پرداخته نشده است، هدف اصلی در این مقاله بررسی حضور سیاسی و تجاری پاکستان در خلیج فارس در فاصله سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۹ است. که نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ستون اصلی سیاست خارجی پاکستان را رابطه با کشورهای اسلامی خلیج فارس تشکیل می‌دهد. این رابطه نه فقط از بابت نیازهای امنیتی، بلکه از جهت هویت ذاتی ملازم با دیانت مشترک ایجاد شده بود. و لذا پاکستان همکاری تنگاتنگی را با کشورهای حوزه خلیج فارس برقرار کرد. این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی: پاکستان، خلیج فارس، روابط خارجی، ایران، عربستان، عراق.

^۱ . استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

^۲ . کارشناسی ارشد تاریخ مطالعات خلیج فارس دانشگاه اصفهان fatemehkiani77@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

گسترش روابط پاکستان با کشورهای خلیج فارس، مسائل و مشکلات داخلی، علت نگرانی دولت پاکستان در اولین سال استقلال این کشور بود که در تحول سیاست خارجی و به ویژه در واکنش به بحران کشور دخیل بود. روابط پاکستان با کشورهای منطقه خلیج فارس در طول ۲ سال ابتدایی استقلال به آهستگی گسترش یافت و نیروی فزاینده ای در پایان ۱۹۴۹ م (۱۳۲۸ ه. ش) حاصل شد که تا حد زیادی واکنشی به چالش‌های جدید پیش روی دولت بود. سه مسئله موضع سیاست خارجی پاکستان را با خاورمیانه تشکیل می‌داد که عبارت بودند از: بحث کشمیر، مسئله بلوچستان و مسئله فلسطین. (Male, 1991 p: 104)

در واقع روابط پاکستان با کشورهای مسلمان سه مرحله متمایز را در دوره مورد پژوهش طی کرده است. مرحله اول از ۱۹۵۴-۱۹۴۷ م (۱۳۳۳-۱۳۲۶ ه. ش)، تلاش‌های پاکستان برای ایجاد روابط نزدیک تر با کشورهای مسلمان از طریق میزبانی کنفرانس‌های متعدد بود. در آن دوره پاکستان به عنوان پر جمعیت‌ترین کشور مسلمان و پنجمین کشور جهان از نظر میزان جمعیت، یاد می‌شد. طبیعی بود که اشاراتی از این دست، در خصوص کشوری که در آن زمان منطق ایجادش چندان درک نمی‌گردید و بقای آن در مظان سؤال قرار داشت مقبولیت زیادی نزد سایر کشورها که به میراث خود مباحثات می‌کردند، نیابد. کنفرانس‌های متعدد که توسط پاکستان برگزار گردید چندان احترامی برای مساعی آن جهت ارتقای همبستگی اسلامی به همراه نیاورد، اینکه پاکستان توانست برای خود در جهان اسلام وجهه ای کسب کند، بیشتر از ناحیه جانبداری مؤثر و مستمر از آرمان‌های مسلمانان بود که اغلب در خلال نخستین سالهای ایجادش در سازمان ملل مطرح گردید، اما الحاق پاکستان به پیمان بغداد که با آن مرحله دوم از ۱۹۵۷-۱۹۵۵ م (۳۶-۱۳۳۴ ه. ش) آغاز می‌شود، سبب شد تا وجهه به دست آمده مخدوش شود. در خلال این دوره، روابط پاکستان با کشورهای عرب که در واقع قلب جهان اسلام به شمار می‌آید به پایین‌ترین سطح خود رسید. مرحله سوم از سال ۱۹۵۸ م (۱۳۳۷ ه. ش) آغاز می‌شود. در آن تاریخ پاکستان از امریکا قدرتمندترین متحد خود فاصله گرفت و دیگر بار توجه خود را به نخستین و بزرگ‌ترین امید خود یعنی جهان اسلام معطوف ساخت. (بورک و زایرینگ، ۱۳۷۷: ۷۸)

متأسفانه درباره روابط پاکستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس در دوره مورد تحقیق، پژوهشی صورت نگرفته است و فقط در کتاب روابط خارجی پاکستان نوشته بورک و زایرینگ به صورت مختصر اشاراتی شده است.





ایجاد روابط نزدیک با حوزه خلیج فارس

تا سال ۱۹۴۹ م (۱۳۲۸ هـ ش) پاکستان اقبال زیادی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه نداشت. با این وجود، از زمان استقلال برای پایه ریزی و زمینه سازی یک ارتباط دیپلماتیک با منطقه در تلاش بود. سفر تبلیغاتی لیاقت علی خان (نخست وزیر وقت پاکستان) به خاورمیانه در ۱۹۴۹ چندین هدف را در پی داشت. در این زمان پاکستان به دلیل مشی سیاسی خود به خاطر گرایش به سمت کشورهای مشترک المنافع تحت فشارهای انتقادی از سوی دنیا اسلام بود و انجام سفر لیاقت علی خان به خاور میانه باعث کاهش انتقادات و کسب محبوبیت از دست رفته بود. سفر او علاوه بر این، یک فرصتی برای شرح مشکلات پاکستان در سراسر منطقه بود که احساس می شد هند تبلیغات تاثیرگذاری علیه پاکستان صرف کرده بود. (Male, 1991:118)

با آگاهی از این که خلیج فارس و خاورمیانه منطقه ای حساس و مهم بود لیاقت علی خان مراقب بود وانمود کند که در سفرش هدف خاصی را دنبال نمی کند و به دعوت کشورهای منطقه و برای مطالعه ساختار و پیشرفت کشورهای مزبور بوده است. او همچنین روشن کرد که با وجود اینکه به گرمی مورد استقبال قرار گرفته و به رغم انسجام و یکپارچگی با کشورهای مسلمان، پاکستان، تلاشی برای رهبری جهان اسلام ندارد. (Dawn, 11 may 1949)

او از قاهره، بغداد و تهران دیدن نمود و مذاکراتی با رهبران این کشورها داشت. بعد به کراچی بازگشت و اظهار داشت که دستاوردهای سفرش قابل توجه و تحسین کننده بود و او در کشورهای اسلامی احساس می کرد که یکی از آنهاست. اگرچه او را به عنوان بهترین سفیر پاکستان نامیدند و روابط برادرانه ای که پیش از این نیز داشت استوارتر گردید ولی از قرار معلوم سفرش دستاورد عملی چندانی به همراه نداشت. (Dawn, 19 may 1949)

کنفرانس عالی اسلامی لاهور

همبستگی با جهان اسلام، اصول اساسی سیاست خارجی پاکستان را تشکیل می دهد. پیرو این سیاست، ذوالفقار علی بوتو نخست وزیر وقت پاکستان پس از آغاز جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳، مسافرتی به کشورهای ایران، ترکیه، عربستان و امارات داشت و در این سفر پیشنهاد تشکیل کنفرانس عالی اسلامی در شهر لاهور به منظور پشتیبانی و حمایت محافل اسلامی از فلسطین و بازگرداندن اورشلیم (بیت المقدس) به اعراب را مطرح کرد. (پاکستان مصور، ۱۵: ۱۹۷۴-۱۴) این پیشنهاد با تأیید و تحسین همه کشورهای مسلمان مواجه شد و در پی آن روسای ۳۷ کشور و دولت مسلمان در فوریه ۱۹۷۴ در دومین کنفرانس عالی اسلامی در شهر لاهور گرد آمدند. در این کنفرانس وضعیت جهان اسلام را پیرامون مسائل عدیده خاورمیانه مورد بررسی قرار دادند. در این نشست حمایت



کامل و همه جانبه برای بازگرداندن سرزمین‌های اشغالی اعراب توسط اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷ اعلام و خواستار ارجاع اورشلیم تحت اختیار و حاکمیت اعراب و برقراری حقوق ملی فلسطینی‌ها شدند. (نشریه پاکستان مصور، ۱۲:۱۹۷۴) هر چند این کنفرانس بطورکلی دستاورد عملی چندانی نداشت اما در حقیقت هدف اصلی پاکستان از حضور در این نشست‌ها جلب توجه کشورهای مسلمان به مسئله کشمیر، و دریافت کمک‌های مادی و معنوی در این زمینه بود که تا حدود زیادی نیز موفق شد.

توسعه روابط متقابل با کشورهای خلیج فارس

روابط مستحکم پاکستان - خلیج فارس به طول تماس دیپلماتیک کشورهای مربوطه بوده است. اغلب دولت‌های خلیج فارس در ایجاد نیروی امنیتی و دفاعی خود تا حدود زیادی متکی به یاری و حمایت پاکستان بوده و هستند. در دهه ۱۹۷۰ م (۱۳۴۹ هـ ش) که کشورهای این منطقه به رونق و شکوفایی نفتی رسیدند، بسیاری از آن‌ها با دلارهای نفتی تجهیزات فنی مدرن را خریداری کردند اما نیروی متخصص و ماهر جهت استفاده و راه اندازی تکنولوژی جدید را در اختیار نداشتند. بنابراین در توافق با پاکستان تعدادی از پرسنل نیروی هوایی و نظامی پاکستان برای آموزش در کشورهایمانند: عربستان، امارات متحده عربی، بحرین، قطر، اردن، سوریه و عراق فرستاده شدند. تعدادی از پرسنل نیروی دریایی پاکستان هم در امارات متحده عربی به نیروی دریایی این کشور آموزش می‌دادند. نقش اصلی افسران پاکستانی، آموزش نیروهای امنیتی محلی بود حتی طرز کار تجهیزات پیچیده ای مثل رادارها را آموزش می‌دادند. (kamran,2013.p:3)

پاکستان علاوه بر تلاش برای تأسیس یک سازمان اقتصادی منطقه ای، تقاضاهای مختلفی برای تشکیل گروه‌های سیاسی مسلمان (که محتاطانه تحت نظر دولت پاکستان اقدام می‌کردند) داشت. برخی اقدامات نیز برای گسترش روابط دو جانبه پاکستان در منطقه انجام گرفت بویژه با ایران و مصر. همه این عملکردها مورد توجه واقع نشد و باید به عنوان بخشی از تلاش‌های پاکستان برای کسب یک برتری تبلیغاتی علیه هند مورد توجه قرار می‌گرفت. (The New York Times, 24 July 1949)

مناسبات سیاسی ایران و پاکستان

نقطه آغاز روابط سیاسی میان تهران و اسلام آباد، به مقطع استقلال پاکستان از هند در چهاردهم اوت سال ۱۹۴۷ م (۱۳۲۶ هـ ش) باز می‌گردد. پس از اعلام استقلال پاکستان، ایران اولین کشوری بود که تأسیس جمهوری اسلامی پاکستان را به رسمیت شناخت و این امر، خود نقطه عطفی در روابط دو کشور به شمار می‌رود. به موازات افتتاح



سفارت ایران در کراچی (پایتخت آن زمان پاکستان) در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۷، پهلوی دوم، نخستین رئیس کشوری بود که بعد از استقلال پاکستان، در سال ۱۹۴۹ م (۱۳۲۸ هـ ش) از این کشور دیدن کرد. (کامران مقدم، ۲۵۳۵: ۳۱۹) علایق دیرین فرهنگی و زبانی کشور جدید با همسایه غربی خود سبب شد تا دوران نو پائیش را با نمونه ای از بهترین روابط دو جانبه تجربه کند به نحوی که طی ۳۲ سال حکومت محمد رضا شاه رابطه ای صمیمی و عاری از فراز و فرود بین دو کشور برقرار بود و سطح روابط دو کشور بخصوص مناسبات سیاسی بسیار بالا بود. اهمیت پاکستان برای دولت پهلوی را می توان از پشتیبانی های نظامی و سیاسی از این کشور در منازعات منطقه ای دریافت. شاه نیز شخصاً چه از لحاظ فرهنگی و چه از بابت سیاسی اهمیت خاصی برای پاکستان قائل بود، بنحوی که در تمامی ملاقات های خود در تهران و راولپندی بر همکیشی و فرهنگ مشترک دو کشور تاکید می کرد. و در مدت زمامداری خود از هیچ کمکی اعم از سیاسی، نظامی، اقتصادی به این کشور دریغ ننمود. (محمودی، ۱۳۹۱: ۱) همچنین ایران اولین کشوری بود که عهدنامه مودت را در چهاردهم اوت سال ۱۹۵۰ م (۱۳۲۹ هـ ش)، با پاکستان منعقد نمود. نقطه اوج روابط روبه رشد ایران و پاکستان را باید عضویت دو کشور در سازمان های منطقه ای دانست. (کوزه گرکالجی، ۱۳۹۰: ۱) به طور کلی تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۱۶ قرارداد بین دو کشور در زمینه های مختلف امضا شد. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳: ۱) عهد نامه مودت اولین گام دوستی ایران بعد از به رسمیت شناختن کشور پاکستان بود. که طبق آن روابط سیاسی و کنسولی دو کشور بر اساس اصول و قواعد معمول بین المللی آغاز شد. بعد از آن دو کشور بنا به توصیه آمریکا و برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم به خاورمیانه، وارد پیمان بغداد که پیش از این عراق و ترکیه نیز به آن پیوستند، شدند. در پیمان بغداد همکاری در زمینه های نظامی و اقتصادی میان اعضا پیش بینی شده بود. با خروج عراق از آن، پیمان به سنتو تغییر نام داد ولی خللی به روابط ایران و پاکستان وارد نشد بلکه باعث بهبود و گسترش مناسبات دو کشور در غالب پیمان «همکاری عمران منطقه ای» که بعدها توسط ایران، پاکستان و ترکیه بوجود آمده بود، شد. (علی بابایی، ۱۳۹۲: ۶۶)

مناسبات اقتصادی ایران و پاکستان

روابط اقتصادی بین دو کشور از زمانی صورت واقعی و نظام مند به خود گرفت که سه کشور عضو پیمان مرکزی (سنتو) تصمیم گرفتند تا به منظور کاهش بدگمانی های ناشی از تشکیل آن پیمان، تشکیلاتی اقتصادی را تحت عنوان «همکاری عمران منطقه ای» که به اختصار RCD گفته می شد، پایه ریزی کنند. این سازمان، همراه با کمیسیون اقتصادی سنتو اقداماتی را برای گسترش راه ها و تاسیسات مخابراتی انجام داد و به نظر می رسد که اوج کمک های



اقتصادی ایران، آمادگی این کشور برای کمک به پاکستان جهت مقابله با مشکلات اقتصادی ناشی از محدودیت منابع مالی خارجی بود. (تحولات دولت ایران، ۱۳۵۵: ۷۹) وجود مرزهای طولانی ایران و ترکیه با شوروی و نیز قرابت جغرافیایی این کشور با پاکستان از طریق تنگه واخان که به آسانی و به سرعت می‌توانست نیروهای مسلح خود را در یک وضعیت بحرانی وارد خاک پاکستان کند، اوضاعی را بوجود آورده بود که فضا را روز به روز غبارآلودتر می‌کرد. یکی از راه‌هایی که به نظر می‌رسید بتواند تنش میان اعضای سنتو با شوروی را کاهش دهد رنگ و لعاب اقتصادی دادن به سازمان عمران منطقه‌ای بود. از همین روی سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه تصمیم گرفتند روابط سیاسی و اقتصادی خود را توسعه داده و طرح‌های خاصی تدوین کنند تا منافع ملی جهت پیشرفت وضع اقتصادی آنان از طریق همکاری عملی و مداوم منطقه‌ای توسعه یابد. (علی بابایی، ۱۳۹۲: ۱۳۵)

اعلامیه سه جانبه

در تاریخ ۲۷ و ۲۸ تیر ماه هیات‌های اقتصادی سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه مرکب از وزیران اقتصاد و روسای سازمان‌های برنامه و بودجه و سایر کارشناسان بلندپایه در آنکارا با یکدیگر ملاقات نمودند و گزارش جامع مذاکرات و توصیه‌های این هیئت‌ها جهت مطالعه و تصمیم نهایی مورد بررسی قرار گرفت. در کنفرانس مزبور سران سه کشور عقیده خود را مبنی بر اینکه همکاری منطقه‌ای عامل اساسی در تسریع رشد و توسعه ملی و تأمین صلح و ثبات می‌باشد، در اعلامیه مشترکی که در پایان کنفرانس صادر کردند، موافقت اصولی خود را در موارد زیر اعلام داشتند:

۱. ایجاد مبادله آزاد کالا با انعقاد قراردادهای بازرگانی،
۲. برقراری مناسبات و همکاری بیشتر بین اطاق‌های بازرگانی موجود و تأسیس اطاق‌های بازرگانی مشترک،
۳. تنظیم و اجرای طرح‌های مشترک به منظور تأمین منافع اعضا،
۴. تقلیل نرخ‌های پستی بین سه کشور به میزان تعرفه‌های داخلی،
۵. بهبود توسعه خطوط حمل و نقل هوایی داخل منطقه و تأسیس یک خط هوایی بین المللی مجهز بین سه کشور که بتواند با سایر خطوط هوایی بطور مؤثر رقابت نماید،
۶. مطالعه درباره امکانات توسعه یک همکاری نزدیک در امر کشتیرانی،
۷. انجام مطالعات و بررسی‌های لازم برای احداث و بهبود خطوط ارتباط راه و راه آهن بین سه کشور،
۸. انعقاد قراردادی بمنظور توسعه صنعت جهانگردی در منطقه،
۹. لغو تشریفات روادید عبور بین سه کشور به منظور تسهیل مسافرت،



۱۰. کمک و همکاری فنی با یکدیگر از طریق اعزام کارشناس، تربیت کادر فنی و مبادلات بورسیه بین سه کشور. (ولیان، ۱۳۳۹: ۱۷۲-۱۷۱)

همچنین در این کنفرانس موافقت شد که برای هماهنگ ساختن برنامه‌های عمرانی، یک شورای ریزی منطقه ای از روسای سازمان‌های برنامه و سایر کارشناسان سه کشور عضو تشکیل شود و نیز دبیرخانه سازمان عمران منطقه ای در تهران مستقر گردد. (پاکستان مصور، ۱۹۷۵: ۵۰)

همکاری‌های تجاری ایران و پاکستان

تجارت خارجی پاکستان به دو صورت انجام می‌پذیرد. یکی از طریق دریا، که مرکز صادراتی و وارداتی آن بندر مهم کراچی در ساحل دریای عمان و در مجاورت خلیج فارس و اقیانوس هند است. معاملات تجاری پاکستان با کشورهای همسایه از جمله کشورهای خلیج فارس و خاورمیانه از این بندر صورت می‌گیرد. و دیگری از طریق خشکی است که محصولات این کشور را به هند، افغانستان و ایران و غیره، صادر می‌کند و عموماً به وسیله شرکت‌های خصوصی انجام می‌گیرد. راه آهن گوتا از زاهدان به مشهد، تهران و سپس ترکیه وصل می‌شود و راه ارتباطی پاکستان با اروپا است. اغلب معاملات تجاری پاکستان با سایر نقاط از این دو مسیر صورت می‌گیرد. اقلام عمده صادراتی پاکستان بیشتر از کف، پنبه، پشم، پوست، چای و حیوانات و مقداری علوفه تشکیل شده که ۷۵ درصد صادرات این کشور را دربر می‌گیرد. ایران بازار خوبی برای محصولات پنبه ای پاکستان است و این کشور نیز حجم زیادی از نفت و فرآورده‌های نفتی ایران را وارد می‌کند و در مقابل پنبه، پوست و چای به ایران صادر می‌کند. ارزش معاملات پاکستان با ایران در سال ۶۲ - ۱۹۶۱ به این شرح بود که واردات از ایران ۱۱۵ میلیون روپیه بود و صادرات به ایران ۸/۳ میلیون روپیه برآورد شده بود. (پاکستان مصور، ۵۴ - ۱۳۵۲: ۱۷۲-۱۷۱)

روابط سیاسی پاکستان و عربستان

مناسبات بین ریاض و اسلام آباد که از دهه ۶۰ میلادی آغاز شده ابعاد مهمی را پشت سر گذاشت. اگر نگاهی اجمالی به سوابق روابط عربستان و پاکستان داشته باشیم از آگوست ۱۹۴۷ م (۱۳۲۶ هـ ش) که پاکستان موجودیت یافت و مانند هر کشوری روابط خارجی خود را رقم زد، عربستان با وجود فاصله جغرافیایی با پاکستان و به دلیل رویکردهایی که ریاض در دوره‌های مختلف نسبت به پاکستان داشته است دارای کارنامه ای بود که پاکستانی‌ها از آن به عنوان کارنامه ای درخشان نام می‌برند. در سال ۱۹۴۷ م (۱۳۲۶ هـ ش) عربستان در زمره کشورهای اسلامی بود که بلافاصله پاکستان را به رسمیت شناخت و در جنگ ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ هـ ش) پاکستان و هند (که بنگلادش از پاکستان



جدا شد) عربستان مخالف این جدایی بود و همواره مواضع عربستان موید مواضع پاکستان بوده است. (شاکری، ۱۳۹۲: ۱) تلاش دو کشور جهت توسعه روابط دوجانبه به تشکیل کمیته مشترک وزیران عربستان سعودی و پاکستان در می ۱۹۷۴ م (۱۳۵۳ هـ ش) منجر شد که این کمیته در هشت جلسه به طور متناوب در ریاض برگزار شد. این گردهمایی بیشتر در جهت تقویت و بهبود روابط برادرانه بین دو کشور و علایق متقابل در همه زمینه ها بود. رهبران کمیته وزیران به همکاری متقابل و سودمند اذعان داشتند و در جلسه‌ای ویژه به یک نقطه عطف در توسعه اقتصادی، دانش تکنیکی و ارتباط فرهنگی میان دو کشور مسلمان با اصل احترام و برابری و منافع دوجانبه دست یافتند. (kamran, 2013. p:8). در این کمیسیون تعدادی پروژه‌های مشترک صنعتی و کشاورزی طرح ریزی شد. همکاری پاکستان با کشور عربستان و دیگر کشورهای خلیج فارس اهمیت قابل ملاحظه‌ای برای این کشور داشت. استخدام هزاران نفر کارگر، کارشناس فنی و فرهنگی پاکستان در کشورهای عربی خود حاکی از روابط مستحکم و مودت آمیز آن کشور با کشورهای حوزه خلیج فارس است. (پاکستان مصور، ۱۳۵۸: ۸)

روابط اقتصادی

روابط اقتصادی دو کشور از دهه هفتاد میلادی شروع شده است و پاکستان همواره متکی به مساعدت‌های مالی عربستان بوده است. در دوره ضیاءالحق این امر شکل بارزی به خود گرفت. این کمک‌ها به دو گونه انجام می‌گرفت. شکل نخست توسط دولت عربستان به طور مستقیم به پاکستان ارائه می‌گردید همچون نفتی که در زمان جنگ‌های متعدد پاکستان با هند عربستان به رایگان در اختیار پاکستان قرار می‌داد. شکل دوم، کمک‌های مالی نهادها و اشخاص غیردولتی عربستان در ایجاد و احداث مدرسه‌ها و مساجد و نیز تأمین مالی مدارس دینی و نهادهای مذهبی در پاکستان انجام می‌گرفت. لیالپور یکی از شهرهای بزرگ پاکستان به دلیل کمک‌های مالی ملک فیصل پادشاه عربستان در ۱۹۷۷ م (۱۳۵۶ هـ ش) به فیصل آباد تغییر نام داد. همچنین عربستان در حکم یک پایانه بزرگ برای اغلب مهاجران پاکستانی است که در عربستان کار و زندگی می‌کنند و بین ۹۰۰ تا ۱ میلیون نفر در سال ۱۹۷۷ تخمین زده شد.

(Pakistan-Saudi Arabia Relations, Wikipedia)

همکاری اقتصادی پاکستان و عربستان از ۱۹۷۵ به بعد رو به توسعه و گسترش نهاد در این دوره تعدادی از پروژه‌های مشترک دو کشور به مرحله اجرا گذاشته شد. که از مهم‌ترین آن‌ها تأسیس بانک الجزیره می‌باشد که در اکتبر ۱۹۷۶ آغاز بکار کرده و در مدت دو سال سرمایه خود را از ۱۰ میلیون تا ۵۰ میلیون ریال افزایش داد. همچنین عربستان در تأسیس یک کارخانه تولید کود شیمیایی در ناحیه میرپور (پاکستان) شراکت داشت که پیش بینی می‌شد پروژه مزبور با



ظرفیت تولید روزانه ۱/۷۵ میلیون تن در سال ۱۹۷۹ به بهره برداری برسد. همچنین پاکستان در احداث نیروگاه برق الخرج (عربستان) با هزینه بالغ بر ۷۰۰ میلیون روپیه شرکت داشت. شرکت هواپیمایی پاکستان موافقتنامه ای با عربستان به امضا رساند که طبق آن هتلی با ۲۴۷ اتاق در ریاض پایتخت عربستان احداث گردید. باین اوصاف، اهمیت برقراری روابط اقتصادی با پاکستان از دیدگاه مقامات سعودی را از کمک‌های عربستان به این کشور می‌توان دریافت زیرا پس از مصر و سوریه، پاکستان سومین دریافت کننده کمک‌های عربستان بوده است. (نشریه پاکستان مصور، ۶۰-۱۲:۱۳۵۵)

همکاری نظامی

عربستان و پاکستان همواره روابط نزدیک نظامی با یکدیگر داشتند و تاکنون نیز آن را حفظ کرده‌اند. با عنایت به این که عربستان در شرایط دشوار تاریخی (جنگ) به کمک پاکستان آمد، این کشور به نوعی خود را مدیون و مرهون مساعدت‌های عربستان می‌داند. از این رو بسیاری از صاحب منصبان نظامی عربستان در آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌های نظامی پاکستان آموزش دیده‌اند. برنامه همکاری متقابل نیروهای مسلح دو کشور در ۱۹۶۷ م (۱۳۴۶ هـ ش) آغاز شد. هواپیماهای جنگنده نیروی هوایی پاکستان در دفع یورش جنوب یمن در ۱۹۶۹ م (۱۳۴۸ هـ ش) به کمک نیروی هوایی عربستان آمد و در دهه‌ی ۱۹۷۰ م (۱۳۴۹ هـ ش) حدود ۱۵ هزار سرباز پاکستانی در کشور پادشاهی عربستان مستقر بودند. (Pakistan-Saudi Arabia Relations, Wikipedia)

در همین راستا، عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی کمک‌های مالی درخور توجهی را در اختیار دولت پاکستان قرار دادند. (Ahmar, 1995, p:32) در اواخر دهه ۷۰ میلادی بیش از ۳۰ هزار نفر از نظامیان پاکستانی در رده تخصصی در ارتش کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی و عمان تحت فرماندهی این کشورها خدمت می‌کردند. (Alam, 2004, p:530) وظیفه اصلی این نیروها آموزش نحوه استفاده از سلاح‌های پیشرفته ای بود که کشورهای نامبرده از آمریکا و غرب خریداری می‌کردند. از این تعداد نیرو ۲۰ هزار نفر در عربستان و ۱۰ هزار نفر در امارات متحده و عمان خدمت می‌کردند. (Chopra, 1995, p:30) در مارچ ۱۹۷۹ م (۱۳۵۸ هـ ش) مسئولان سعودی، تقاضای نیروی نظامی برای مساعدت در امور نظای را از پاکستان داشتند و لذا سربازان پاکستانی در محاصره شهر مکه در ۱۹۷۹ م (۱۳۵۸ هـ ش) با عربستان مشارکت داشتند. طبق تفاهم نامه ای در ۱۴ دسامبر ۱۹۸۲ م (۱۳۶۱ هـ ش) تعدادی از افراد نظامی پاکستانی برای آموزش به عربستان فرستاده شدند. و نیز گزارش سال ۱۹۹۱ م (۱۳۷۰ هـ ش)



ش) روزنامه اسوشیدت پرس نشان می‌دهد که، پاکستان ۱۳ هزار سرباز و ۶ هزار مشاور را در طول جنگ اول خلیج فارس در عربستان مستقر کرد. (Kamran, 2013, p: 6)

روابط سیاسی پاکستان و عراق

هر دو کشور عراق و پاکستان از کشورهایی هستند که تاریخ شکل‌گیری آن‌ها به عنوان یک کشور مستقل، نسبت به دیگر کشورهای منطقه از قدمت کمتری برخوردار است. روابط دیپلماتیک بین دو کشور در سال ۱۹۴۷ آغاز شد. عراق نخستین کشور عرب بود که استقلال پاکستان را به رسمیت شناخت. روابط عراق و پاکستان را می‌توان به دو دوره مشخص ذیل تقسیم کرد:

- ۱) دوره عضویت دو کشور در پیمان بغداد و اتحاد آن‌ها در مقابله با گسترش کمونیسم.
 - ۲) دوره خروج عراق از این پیمان و برقراری روابط نزدیک با کشورهای حامی بلوک شرق نظیر مصر و سوریه.
- در مقطع نخست، تحت تأثیر اراده حاکم بر جهان دو قطبی، روابط نزدیکی بین دو کشور وجود داشت و سطح روابط سیاسی و اقتصادی بین آن‌ها در حد مطلوبی بود. هر دو کشور در قالب بلوک بندی دوره جنگ سرد در چارچوب بلوک غرب قرار داشتند. این وضعیت تا زمان کودتای قاسم و تغییر استراتژی سیاست خارجی عراق و خروج این کشور از پیمان بغداد و گسترش روابط آن با اتحاد جماهیر شوروی ادامه داشت. در این دوره و در جریان جنگ پاکستان و هند بر سر کشمیر، دولت عراق به حمایت از این کشور در مقابل هند برخاست. اما در دوره دوم با توجه به اینکه پاکستان و عراق در بلوک‌های متفاوت قدرت جهانی قرار داشتند، سطح روابط آن‌ها تنزل پیدا کرد. از بدو شکل‌گیری روابط عراق و پاکستان، بخشی از استراتژی سیاست خارجه این کشور در قبال پاکستان، تحت تأثیر رقابت قدرت‌های جهانی و نیز رقابت قدرت‌های منطقه ای بوده است. به عنوان مثال فاکتور رقابت با ایران، یک فاکتور مهمی در روابط عراق با پاکستان محسوب می‌شد. دولتمردان عراقی با توجه به مرزهای طولانی زمینی ایران با پاکستان، همواره در این اندیشه بوده‌اند که بخشی از تمرکز سیاسی حکومت ایران را به همسایه شرقی‌اش معطوف سازند. نمود بارز این سیاست، حمایت عراق از جریانات جدایی طلب بلوچ‌ها در شرق ایران و پاکستان بوده است. در این زمینه، در دهه ۱۹۷۰ دولت پاکستان از نقشه مشترک شوروی و عراق برای ایجاد شورش جدایی طلبانه بلوچ‌های این کشور پرده برداشت. (Gupta, 1987: 28)



با این وجود، برخی اشتراکات بین دو کشور باعث شد که روابط آن‌ها همچنان تداوم پیدا کند. عراق و پاکستان به عنوان دو کشور اسلامی، از پتانسیل زیادی برای گسترش روابط برخوردار بودند. عراق بعنوان یک کشور صادرکننده نفت با اقتصاد رو به رشد، از جاذبه اقتصادی بالایی برای حل بخشی از مشکلات اقتصادی پاکستان برخوردار بود. در اقتصاد پاکستان، صدور نیروی کار این کشور به کشورهای نفتی ثروتمند منطقه و درآمد قابل توجهی که از این راه عاید این کشور می‌شود بسیار اهمیت دارد. از این رو حضور نیروی کار پاکستانی در عراق می‌توانست کمک موثری به اقتصاد این کشور باشد. در آن دوره، هر دو کشور در موضع مشترکی در حمایت از آرمان فلسطین و مبارزه با اسرائیل بودند و هر دو کشور از جمله کشورهای پیشرو اسلامی در این زمینه محسوب می‌شدند. استراتژی پاکستان در خصوص عراق، تابعی از استراتژی این کشور در قابل کشورهای عرب و به ویژه کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بود. (موسوی، ۱۳۸۹: ۷۰)

روابط اقتصادی پاکستان با کشورهای خلیج فارس

در دوره مورد بحث، برقراری روابط نزدیک با کشورهای عرب منطقه خلیج فارس یک اصل مهم در استراتژی منطقه ای پاکستان به حساب می‌آمد. از این رو، با تلاش فراوان پاکستان نخستین اجلاس کمیسیون اسلامی برای امور اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در کراچی، ژانویه ۱۹۷۷ م (۱۳۵۶ ه ش) میزبانی نمود. دولت‌های عضو کمیسیون تلاش‌های صمیمانه پاکستان برای همبستگی و توسعه کشورهای اسلامی مورد تمجید قرار دادند. کمیسیون در اثنای مباحثات خود برنامه وسیع و گسترده ای را اتخاذ نمود تا به موجب آن همکاری‌های تجاری، انتقال منابع، مشارکت‌های پولی و مالی و نیز تشریک مساعی در زمینه‌های کشاورزی، غذایی، صنعتی و تکنولوژی ارتقاء یابد. در خلال تمامی این فعالیت‌ها پاکستان در بها دادن به کمیسیون‌های مشترک وزیران با کشورهای اسلامی باعث شد تا سیاست‌های این کشور در بسط روابط دو جانبه ثمرات بیشتری یابد و به موجب آن اجرای برنامه‌های بین‌المللی با تهران، ریاض، کویت، بغداد و امارات متحده عربی آغاز گردد. این ترتیبات سبب شد تسهیلاتی در اشتغال کارگران پاکستانی در کشورهای تولیدکننده نفت فراهم شود. (بورک و زایرینگ، ۱۳۷۷: ۴۵۰) و تعداد کثیری پاکستانی در کشورهای حوزه خلیج فارس در زمینه کارهای عمرانی، پزشکی، پرستاری، معلمی، تکنسین و کارگر مشغول کار شدند. همچنین پاکستان همکاری‌هایی با کشورهای عربستان، امارات، کویت، بحرین و عمان در زمینه‌های مختلف از جمله پذیرش دانشجویان جهت استفاده در دانشکده‌های فنی و حرفه ای داشته است. (نشریه پاکستان مصور، ۵۳-۴۰: ۱۳۵۲) در سطح همکاری‌های نظامی، پاکستان توانست به صورت بازیگر عمده در دیگر کشورهای اسلامی



عیان شود. بین سالهای ۱۹۷۷-۱۹۷۲ م (۵۶-۱۳۵۱ ه ش) پاکستان پروتکل‌های نظامی را با کشورهای کویت، عراق، عمان، امارات و عربستان منعقد ساخت و ترتیباتی را معمول داشت تا به تاسیسات و خدمات نظامی در کشورهای بحرین، ایران و قطر دسترسی یابد. پاکستان همچنین واحدهایی از نیروهای مسلح خود را در این کشورها مستقر نمود. وظیفه این واحدها، طبق بیانیه صادره عبارت بود از؛ ارائه خدمات و کمک‌های آموزشی و فنی، ولی بعضی از واحدهای وظایف تاکتیکی را نیز برعهده گرفتند. عربستان سعودی، بیش‌ترین توجه را از این بابت دریافت نمود و بیش از ۱۰ هزار نفر از نیروهای منظم پاکستانی در این کشور مستقر شدند. ریاض پرداخت مخارج استقرار این نیروها را به عهده گرفت و موافقت نمود به این کشور در خرید سیستم‌های تسلیحاتی پیچیده از امریکا و اروپا کمک کند. عمان نیز کشور دیگری بود که مورد توجه خاص نظامی از ناحیه اسلام آباد قرار گرفت. سلطان عمان، فقدان پرسنل ارتش انگلیس را با استقرار واحدهایی از ارتش پاکستان و استخدام بلوچ‌های این کشور را در نیروهای مسلح سلطنتی خود جبران نمود. (بورک و زایرینگ، ۱۳۷۷: ۴۵۰-۴۴۸)

پس از استقلال پاکستان شرقی (بنگلادش) در سال ۱۹۷۴، به دلایل استراتژیک، توجه به دول اسلامی خاورمیانه در اولویت سیاست گذاری خارجی پاکستان قرار گرفت. این استراتژی جدید دولت پاکستان با ارتقای نقش کشورهای صادرکننده نفت به دلیل افزایش قیمت این ماده و تأثیر گذاری مالی هر چه بیشتر این کشورها در اقتصاد جهانی مصادف گردید. (موسوی، ۱۳۸۹: ۷۲)

با مساعی دولت پاکستان در جریان کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در کوالالامپور، طرح ایجاد بانک توسعه اسلامی با سرمایه ای معادل ۲ میلیارد دلار که عمدتاً توسط کشورهای تولید کننده نفت تأمین شده بود به تصویب رسید. (Ministry of Foreign Affairs, 1977: 1-10) سیاست پاکستان برای توسعه روابط با کشورهای اسلامی و اعتلای جایگاه این کشور در جهان اسلام عمدتاً بر نقش آفرینی در سازمان کنفرانس اسلامی متمرکز بود. در این راستا، در جریان ششمین کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی که در سال ۱۹۷۵ در شهر جده برگزار شد، پاکستان بعنوان رئیس کمیته بیت المقدس انتخاب شد. و از سوی این کشور طرح‌هایی با هدف تدوین استراتژی برای آزادسازی فلسطین و شهر بیت المقدس ارائه شد. (موسوی، ۱۳۸۹: ۷۲)

سیاست خاورمیانه ای ذوالفقار علی بوتو نه تنها پیوندهای فرهنگی و سیاسی را بین پاکستان و این کشورها مستحکم کرد بلکه باعث شد کمک‌های مالی و اقتصادی در خور توجهی از سوی کشورهای اسلامی به پاکستان صورت بگیرد. جدول ذیل نشان دهنده بخشی از این کمک‌های اعطایی می‌باشد. (بوروک و زایرینگ، ۱۳۷۷: ۴۵۱)



جدول ۱: کمک‌های مالی و اقتصادی کشورهای اسلامی به پاکستان در خلال سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۷۲

(ارقام به میلیون دلار می‌باشد)

ردیف	نام کشور	برنامه‌های عمومی	جرای پروژه‌ها	برنامه‌های امدادی	جمع کمک‌های واگذار شده
۱	ایران	۷۳۰	۷۵	۲/۷	۸۰۷/۵
۲	عربستان سعودی	-	۱۳۰	۱۰	۱۴۰
۳	امارات متحده عربی	۱۰۰	۹۲	۸	۲۰۰
۴	لیبی	۸۰	۵۳	۱۶	۱۴۹
۵	کویت	-	۴۵	۵	۵۰
۶	قطر	۴۱/۴۵	-	۱	۴۲/۴۵

منبع: (بوروک و زایرینگ، ۱۳۷۷: ۴۵۱)

در خلال این دوره، کشورهای اسلامی به بزرگ‌ترین بازار صادراتی پاکستان تبدیل شدند و سهم این کشور از ۲۱ درصد تا یک سوم از واردات این کشورها افزایش یافت. (موسوی، ۱۳۸۹: ۷۳)

کارگران مهاجر پاکستانی در خلیج فارس

ارتباط پاکستان با کشورها و دولت‌های خلیج فارس دیرینه و ریشه دار است. به طوری که بندر گوادر در حقیقت بخشی از کشور عمان بود که در سال ۱۹۵۸ توسط حکومت مسقط به نشانه حسن نیت به پاکستان واگذار شد و تعداد زیادی از مکرانی‌ها توسط مسئولان عمانی برای کار و زندگی در عمان به خدمت گرفته شدند. تعداد زیادی از کارگران پاکستانی در کشورهای خلیج فارس به کار مشغول بوده و تأثیر بسزائی در توسعه و آبادانی این کشورها داشته‌اند و ارزش پربها را به پاکستان حواله می‌کردند. (Nadim Qamar, 1991: 12) مبلغ ۵۷۵ میلیون دلاری که در سال ۱۹۷۷ از سوی کارگران پاکستانی مقیم کشورهای خلیج فارس ارسال می‌شد عامل مهمی در حفظ تعادل ارزی پاکستان داشت (نشریه پاکستان مصور، ۲۵۳۶: ۱۸) عایدات ارز ارسالی توسط ۴۴۶ هزار کارگر در طول سال‌های ۸۵-۱۹۷۷ با



جمع عواید صادراتی پاکستان در این سال ها برابر بود. بطورکلی بررسی های انجام شده نشان می دهد که از ۸۵-۱۹۷۷ تقریباً ۲/۴۶ میلیون پاکستانی در منطقه خلیج فارس مشغول بوده اند. با این حال محاسبه دقیق برای ارزیابی مشکل است زیرا از این تعداد مهاجر، تعدادی افراد غیر قانونی نیز در کشورهای مختلف خلیج فارس مشغول اند. (Nadim Qamar, 1991:13) جزئیات نیروی کار پاکستان به قرار زیر است:

جدول ۲: تعداد نیروی کار پاکستانی در سال های ۸۵-۱۹۷۷

کشور	تعداد کارگران پاکستان
عربستان سعودی	۵۹%
امارات متحده عربی	۱۵%
قطر	۸%
کویت	۶%
بحرین	۳%
سایر	۹%

منبع: (Nadim Qamar, 1991:13)

نتیجه گیری

روابط پاکستان با کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه سه مرحله متمایز را طی کرده است. مرحله اول از ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۴، که در این مرحله پاکستان تلاش هایی برای ایجاد روابط نزدیک تر با کشورهای مسلمان، از طریق میزبانی کنفرانس های متعدد نمود. البته این کنفرانس ها موفقیت چندانی در جهان اسلام برای پاکستان به همراه نداشت، بلکه حمایت مؤثر این کشور در سازمان ملل از آرمان های مسلمانان در موضوع فلسطین و جنگ اعراب و اسرائیل بود که باعث شد پاکستان در جهان اسلام وجهه و اعتباری کسب کند.

مرحله دوم از ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۷ آغاز می شود که در این مرحله پاکستان با پیوستن به پیمان بغداد موجب شد تا وجهه اش در جهان اسلام مخدوش شود. در این دوره روابط پاکستان با کشورهای عرب به ویژه در حوزه خلیج فارس که در واقع قلب جهان اسلام به شمار می آید به پایین ترین سطح خود رسید. زیرا جهان عرب پیمان بغداد را دسیسه غرب برای دور نگاه داشتن افکار عمومی از جنگ اعراب و اسرائیل و مسئله فلسطین می دانست.



از سوی دیگر در همین دوره روابط پاکستان با عراق و ایران، دو متحد این کشور در پیمان بغداد، گسترش یافت. عراق نخستین کشور عربی منطقه بود که استقلال پاکستان را به رسمیت شناخت. تا قبل از کودتای بغداد، هر دو کشور در یک بلوک قدرت‌های جهانی قرار داشتند و روابط نزدیکی در امور سیاسی و اقتصادی با یکدیگر داشتند.

مرحله سوم از سال ۱۹۵۸ و همزمان با کودتای حزب بعث در عراق و خروج عراق از پیمان بغداد مصادف بود. در این مرحله پاکستان از قدرتمندترین متحد خود یعنی آمریکا فاصله می‌گیرد و بار دیگر توجه خود را به منطقه خلیج فارس و جهان اسلام معطوف می‌سازد. هر چند در این مرحله روابطش با عراق تنزل می‌یابد اما مناسبات خود را با دیگر کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی گسترش می‌دهد.

پاکستان نخستین اجلاس کمیسیون اسلامی را با هدف گسترش روابط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را برگزار کرد تا به موجب آن همکاری‌های تجاری، انتقال منابع و مشارکت‌های پولی و مالی و نیز تشریک مساعی در زمینه‌های کشاورزی، دفاعی، صنعتی و تکنولوژی ارتقا یابد. در همین راستا عربستان و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس کمک‌های مالی قابل توجهی در اختیار پاکستان قرار دادند. در اواخر دهه ۷۰ میلادی بیش از ۳۰ هزار نفر از نظامیان پاکستان در ارتش کشورهای عربی خلیج فارس خدمت می‌کردند. در سطح همکاری‌های نظامی، پاکستان توانست به صورت بازیگر عمده در دیگر کشورهای اسلامی عیان شود.

اشتغال به کار هزاران نفر از نیروی کار پاکستانی در کشورهای حوزه خلیج فارس، حاکی از بهبود مناسبات است. تعداد کثیری پاکستانی در کشورهای خلیج فارس در زمینه کارهای عمرانی، پزشکی، پرستاری، معلمی، تکنسین و کارگر مشغول بودند. در خلال این دوره، کشورهای اسلامی به بزرگ‌ترین بازار صادراتی پاکستان تبدیل شدند و سهم این کشور از ۲۱ درصد تا یک سوم از واردات این کشورها افزایش یافت.

اهمیت پاکستان برای دولت پهلوی را می‌توان از شیوه‌های همراهی دیپلماتیک، پس از استقلال این کشور و پشتیبانی‌های نظامی و سیاسی ایران از پاکستان در منازعات منطقه ای دریافت. از آنجایی که دو کشور در قطب غرب قرار داشتند و با توجه به روابط نزدیک پاکستان و آمریکا، ایران به همراه پاکستان و ترکیه، پیمان سنتورا به وجود آوردند و در غالب این پیمان همکاری‌های خود را گسترش دادند. ایران در جنگ‌های متعدد پاکستان و هند به دلیل ملاحظات جغرافیایی، سیاسی، راهبردی و امنیتی از پاکستان حمایت به عمل آورد. البته شاه تلاش می‌کرد حمایت از پاکستان منجر به تیرگی روابط با هند نگردد حمایت او از پاکستان بیشتر در جهت جلوگیری از افتادن پاکستان در دامان کمونیسم بود.

منابع

باومن لاری و، یان کلارک (۱۳۶۹). افیانوس هند در سیاست جهانی، ترجمه گروه مترجمین نشر قومس، تهران: نشر قومس.

بهروزان، گילה گل (۱۳۷۹). هند، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

بورک و زایرینگ (۱۳۷۷). تاریخ روابط خارجی پاکستان، ترجمه ایرج وفایی، تهران، کویر.

عابدی، آ (۱۳۸۲). "روابط ایران و هند از ۱۹۷۹-۱۹۴۷" ترجمه بدرالزمان شهبازی، فصلنامه ژئوپلتیک، سال دوم، شماره دوم.

علی بابایی، غلامرضا (۱۳۹۲). تاریخ روابط ایران و پاکستان، تهران اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی،

کامران مقدم، شهین دخت (۱۳۶۰). تاریخ کشورهای همجوار، تهران دانشگاه تربیت معلم.

ولیان، عبدالعظیم (۱۳۵۰). کلیاتی از اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پاکستان، تهران، زوار.

پاکستان مصور (۱۳۵۳-۱۳۵۲). «کنفرانس اسلامی لاهور»، ش ۷-۸، دی-بهمن، انتشارات اداره فیلم و مطبوعات و وزارت اطلاعات پاکستان.

_____ (۱۳۵۲-۱۳۵۴). «پاکستان و همکاری اقتصادی بین المللی»، نوشته بدرالاسلام هاشمی، انتشارات اداره فیلم و مطبوعات و وزارت اطلاعات پاکستان.

_____ (۱۳۵۴). ش ۴، آبان- آذر/ نوامبر-دسامبر ۱۹۷۵. انتشارات اداره فیلم و مطبوعات و وزارت اطلاعات پاکستان.

_____ (۱۳۶۰-۱۳۵۵). ش ۱۰، تیر/ ژوئن ۱۹۷۸، انتشارات اداره فیلم و مطبوعات و وزارت اطلاعات پاکستان.

_____ (۱۳۵۸). ج ۶، ش ۱۰، تیر- مرداد، انتشارات اداره فیلم و مطبوعات و وزارت اطلاعات پاکستان.

_____ (۱۳۵۸). ج ۷، ش ۱، مهر- آبان، انتشارات اداره فیلم و مطبوعات و وزارت اطلاعات پاکستان.

مقالات

خبرگزاری فارس (۱۳۹۴). «نگاهی به ریشه‌های اختلاف هند و پاکستان»، بخش پایانی، تهران، دفاتر منطقه ای حوزه

پاکستان»، بر گرفته از: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940621000099>



شاگری، ماشالاہ (۱۳۹۲). «روابط راهبردی پاکستان با عربستان از طرح همکاری هسته‌ای تا تأثیر آن بر روابط با ایران»، «خبرگزاری فارس»، بر گرفته از: <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13920618001206>، محمدی، محمد حسین (۱۳۸۹). «روابط ایران و پاکستان در عصر پهلوی ۱۹۴۷-۱۹۷۹»، «جهان روابط، مجله تخصصی روابط بین الملل».

موسوی، مسعود (۱۳۸۹). «بررسی مواضع و عملکرد پاکستان در جنگ عراق با ایران»، مقاله ۵، دوره ۹، ش ۳۳.

منابع لاتین

Alam, (2004). "Iran - Pakistan Relation ", Pilitical and Strategic Dimensions, Strategic Analysis, Vol. 9.

Ahmar, Moonis (1995). Sectrarian Confilicts in Pakistan, Pakistan Vision, Vol. 9.

Senator Sehar Kamran, Pakistan and the Gulf Region: Historical Perspective and Future Trends, (T.1) GPGS.

....., (2013). Pak- Gulf Defense and security Cooperation, CPGS, (T.1)

Chopra, Surrender, (1995). "Pak - Iran Relations: In Political System in Pakistan ", V. G. Arora (Eds), Pak Iran Relations. New Delhi: Deep & Deep Publications.

Colonel Nadim Qamar, (1991)." Pakistan and Persian Gulf ". Us, Army War College, 11 JUN.

Gupta, Beababani (1987). "The Persian Gulf And South Asia Prospects And Problems Of Inter Reginal Coopreation", New Delhi, South Asia Pablsher.

Male, Beverley.M, (1969). "Pakistan's Relations with the Meddle East ", Canberra.

Ministry Of Forigen Affairs (1977, February 21)." Pakistan Relation with Islamic States ", A Reviw Montazeran, Ahmad Mumtaz, Kashif. (Fabruary, Iran - Pakistan: Cooperation For Reginal Stability (2010): The Institute Of Stratgic Studies, Islamabad.

Wikipadia (2010). "Pakistan-Saudi Arabia Relations ", Availabel at [http://www. Persian Gulf.org](http://www.Persian Gulf.org).

Dawn, 19 May 1949.

The New York Times, 24 July 1949.

